

عبدالسمیع یزدی و منظومه نحوی «العروة الوثقی»

مجتبی عمرانی پور^۱

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

دکتر غلامعباس رضایی هفتادر

دانشیار دانشگاه تهران

(۱۴۷ - ۱۷۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

چکیده

عبدالسمیع بن محمدعلی یزدی از عالمان، فقیهان و شاعران قرن سیزدهم قمری است که همانند شمار کثیری از ایرانیان خدمات ارزنده‌ای به زبان و ادبیات عربی ارائه نموده است. تاکنون جز در چند کتاب تراجم، نامی از این شخصیت بزرگ ایرانی برده نشده و در گذر زمان رنگ فراموشی به خود گرفته است. بیشتر آثار وی به زبان عربی و در موضوع نحو عربی است. یکی از مهمترین نوشته‌های وی منظومه نحوی «العروة الوثقی» است که در یکصد و ده بیت سروده شده است. گرچه این منظومه ناشناخته مانده است اما سه شرح از آن در میان نسخه‌های خطی موجود است که نشان از اهمیت آن در زمان خود دارد. این نوشته به معرفی این دانشمند ایرانی و منظومه نحوی وی و تصحیح آن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: عبدالسمیع یزدی، نحو عربی، منظومه نحوی «العروة الوثقی».

۱. پست الکترونیک نویسنده مسؤول: emranipour@gmail.com

مقدمه

ارزش معرفی و تصحیح متون کهن و میراث قدیمی بر هیچ کس پوشیده نیست، چه این کار غبار زمانه از این میراث زدوده و جانی تازه در کالبد آن می‌دمد. چه بسیار میراث ارزشمند و گرانبهایی که در غبار قفسه‌ها چشم به راه‌اند تا دست نوازشی بر سرشان کشیده و زنگار فراموشی از چهره‌هایشان زدوده گردد، امید که این چشم‌انتظاری به پایان آید و این سرمایه‌های فرهنگی به دوستان دانش و فرهنگ معرفی گردد.

موضوع این مقاله معرفی عالمی ایرانی و تصحیح یکی از کارهای ارزشمند او در نحو عربی است. این شخصیت بزرگ عبدالسمیع یزدی است که تاکنون جز در چند کتاب تراجم، نامی از وی برده نشده و در گذر زمان رنگ فراموشی به خود گرفته است. اثر معرفی شده وی در این مقاله، منظومه نحوی «العروة الوثقی» است. تا آنجا که اطلاع داریم، تاکنون تصحیح و چاپ نشده است.

این نوشته در دو بخش تدوین شده است: نخست به معرفی ناظم منظومه، یعنی عبدالسمیع یزدی و آثار او می‌پردازد و سپس متن تصحیح شده منظومه ارائه می‌گردد. امید که این سطور توانسته باشد خدمتی در راه علم و معرفی عالمان ایران باشد.

عبدالسمیع یزدی

عبدالسمیع بن محمدعلی بن احمد بن محمد بن سمیع یزدی از فقیهان و عالمان بزرگ قرن سیزدهم هجری است. در مورد تاریخ ولادت، رویدادهای زندگی و وفات وی کتب تراجم سکوت اختیار کرده و به ذکر قرن و سده بسنده کرده‌اند. ما نیز گزیری جز ذکر تألیفاتش نداریم لیکن همین نیز به نیکی مرتبت علمی وی را باز می‌نماید.

در مورد نام وی نیز اجماع کلی وجود ندارد، چرا که گاه وی را محمدسمیع و گاه عبدالسمیع نامیده‌اند. (الطهرانی، ۱۴۰۴، صص ۶۱۳ و ۷۳۵) شاید منشأ اصلی این اختلاف خود عبدالسمیع باشد که در نگاشته‌های خود، گاه نام عبدالسمیع و گاه نام محمدسمیع را برای معرفی خود برمی‌گزیند. اما بیشتر به عبدالسمیع مشهور است. به هر روی آن چه روشن است، آن است که وی دیار خویش را به قصد دانش‌اندوزی یا به انگیزه‌ای

دیگر ترک گفته و رهسپار مشهد الحسین (ع) می‌شود و از آن پس به حائری مشهور می‌گردد. در کربلا علوم دینی را در محضر بزرگان زمانه می‌آموزد. و پس از آن به تدریس علوم دینی و علوم عربی همت می‌گمارد.

استادان:

عبدالسمیع یزدی از محضر عالمان و فقیهان بزرگ اسلام بهره جسته است که از آن میان می‌توان به بزرگان زیر اشاره کرد:

الف- محمدعلی بن احمد یزدی

پدر عبدالسمیع مردی با بهره از معرفت و دانش بوده و این نکته را می‌توان در ضمن کتاب «غایة المسؤل و نهاية المأمول» به روشنی دریافت. عبدالسمیع در کنار نحویان بزرگ از پدر خویش نیز نام برده و آراء نحوی وی را یاد می‌کند. برای نمونه در باب تعریف المبتدأ و الخبر می‌نویسد: «و الحق المعتمد أن يقال: إن المدار في صحة وقوع الاسم مبتدأ و عدمها حصول الفائدة كما عليه بعض المحققين و ابن دهان و نجم الأئمة و عمي العلامة و والدي الماجد طاب ثراه...» (الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۵۹)

ب- محمدحسین بن احمد بن محمد یزدی حائری

وی عمو و استاد عبدالسمیع بوده است. عبدالسمیع در کتاب «غایة المسؤل و نهاية المأمول» از وی یاد کرده، می‌نویسد: «هو الحاج ملا محمدحسین الیزدی كان عالماً فاضلاً مستبحراً عالماً أديباً عديم النظر في زمانه في المقدمات خصوصاً في النحو و المعاني و البيان و اللغة بحيث لم يسأل عن لغة إلا أجاب و يجمع معانيه أحسن ما جمعه أهل اللغة و كان مصنفاً كثيرة منها مجموعة البيان في النحو يشمل على مجلدين كل مجلد عشرون ألف بيت». (همان، برگ ۴۴) از وی کتاب «تحفة الولي» در ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به جای مانده است که آن را در سال ۱۲۲۷ق در شهر مشهد و به دستور والی آن‌جا، محمد ولی میرزا، نوشته است. (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۵۲) حاشیه‌ای نیز بر کتاب «قوانین الأصول» نوشته میرزا أبوالقاسم بن حسن قمی نگاشته که به «حواشی الأصول» موسوم است. عبدالسمیع یزدی در سال ۱۲۵۱ق این کتاب را تدوین کرده و

به خط خود نوشته است. (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۶، ص ۱۷۶) وی در آغاز «حواشی القوانين»، استاد خود را چنین معرفی می‌کند: «العالم الفاضل، الكامل النابل، فخر المحققین، و زبدة المدققین، رأس العلماء، و رئیس الفقهاء، زین الإسلام، و رکن الملة و الإیمان و عضد الأعلام، الوحيد الفريد...» که همگی دلالت بر مرتبه والای علمی استادش دارد. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۸)

ج- سید ابراهیم بن محمدباقر موسوی قزوینی (۱۲۶۳-۱۲۱۴ هـ ق)

وی ریاست تدریس اصول را در کربلا بر عهده داشت. از قزوینی کتابی در اصول فقه به نام «ضوابط الأصول» به یادگار مانده است که خود آن را خلاصه کرده و «نتایج الأفكار» نام نهاده است. عبدالسمیع یزدی در اواخر صفر سال ۱۲۵۸ ق در بندر بمبئی کتاب «نتایج الأفكار» استادش را به طبع رسانید. (همان، ص ۷۳۵) همچنین وی نسخه‌ای از رساله عملی استاد خود را در تاریخ ۲۳ رمضان سال ۱۲۴۵ ق با متن اصلی آن تطبیق داد که در پایان آن خود را عبدالسمیع رازی معرفی می‌کند. (الحسینی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۲)

د- ملا علی اکبر یزدی

عبدالسمیع - چنان که خواهد آمد- در کتاب «نیل المرام» از وی نام برده است.

ه- فاضل اردکانی (م ۱۳۰۲ ق) (کاظمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۸۸)

ز- صدرالممالک میرزا محمد بن میرزا جعفر یزدی

عبدالسمیع در کتاب «نیل المرام» از وی به عنوان شیخ خود در عربی یاد کرده است. (الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۶۱)

و- محمدحسین بن محمد اسماعیل یزدی حائری. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳)

شعر عبدالسمیع:

عبدالسمیع علاوه بر مرتبه بالای علمی و دینی، شاعری خوش قریحه نیز بوده است. از اشعارش سه قصیده در مدح استادش، سید ابراهیم قزوینی، و کتاب وی «نتایج الأفكار» برجای مانده است که ارادت خاص وی نسبت به استادش و همچنین طبع والای

شاعری وی را نشان می‌دهد. در اشعارش زبانی ساده و به دور از تکلف دارد. (الحسینی، ۱۴۱۴، صص ۲۹۳ و ۲۹۴)

کتابت نسخه‌ها:

عبدالسمیع از خطی خوش بهره داشت و بسیاری از کتب مهم را استنساخ کرده است که از آن جمله است:

الف) حاشیه سلطان بر المعالم: که در سال ۱۲۲۴ ق در کربلا نوشته است. به نظر می‌رسد این کار در اوایل اشتغالش در کربلا بوده است. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳)

ب) المکاسب: در اوایل جمادی الأولى سال ۱۲۵۲ ق آن را نوشته و در آخر آن آورده است: «تمَّ کتاب المکاسب و یتلوه کتاب الرهن، نظام‌الدین الحاج محمدسمیع بن الحاج محمدعلی بن أحمد بن محمد بن سمیع الیزدی». مرحوم آقا بزرگ تهرانی این کتاب را از استنساخ‌های عبدالسمیع برشمرده است، اما به نظر می‌رسد که از تألیفات وی بوده است. (همانجا)

ج) رموز السیاحة نجفقلی بن حسینعلی میرزا: به تاریخ جمعه ۱۴ اذی القعدة سال ۱۲۵۶ ق در کاظمین به خط نستعلیق نوشته شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ایران موجود است. (انوار، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۸۱)

د) نتایج الأفكار سید ابراهیم قزوینی: از این کتاب نسخه‌هایی به خط عبدالسمیع یزدی در کتابخانه‌های ایران موجود است که در تاریخ‌های متفاوت کتابت شده است. (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۵۹). آخرین نسخه در سال ۱۲۵۸ هـ استنساخ شده است شاید همان نسخه‌ای باشد که در بمبئی در اواخر صفر ۱۲۵۸ هـ به طبع رسانید و نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم حسنی و نسخه‌ای در کتابخانه طبسی قم موجود است. (حافظیان و صدراپی، ۱۳۸۲، ص ۴۶۰)

تألیفات:

عبدالسمیع یزدی تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و صرف و نحو دارد که بیشتر آنها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها موجود است. از آن جمله است:

۱. أرجوزه در أصول فقه - که بیت اول آن چنین است:

«الحمد لله الحميد الباري و مُعْجَزِ الظُّنُونِ و الأَفْكَارِ».

(الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۴۵۹. و ج ۲۳، ص ۸۳)

۲. سفینه الأحكام - کتابی است در چندین مجلد در فقه، که مجلد "المکاسب" آن

به خط خود مؤلف در کتابخانه صدر اصفهان موجود است و در پایان آن نوشته شده است که در اواخر جمادی الأولى سال ۱۲۵۲ق به پایان برده است. و سپس خود را چنین معرفی می‌کند: «نظام‌الدین الحاج محمدسمیع بن الحاج محمدعلی بن أحمد بن محمد بن سمیع الیزدی». (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۲، ص ۱۹۳)

مرحوم آقابزرگ تهرانی «المکاسب» را از جمله مستنسخات وی برشمرده است.

(الطهراني، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳) اما با توجه به مطالب ذکر شده در دو کتاب «الذریعة» و «الکرام البررة» و مشترک بودن اواخر نسخه‌ها و تاریخ کتابت آن‌ها مشخص می‌شود که از تألیفات وی و بخشی از کتاب «سفینه الأحكام» بوده است.

۳. مناهج الأسرار فی شرح نتائج الأفکار - شرحی است استدلالی بر «نتایج

الأفکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی، در دو مجلد بزرگ که هر جلد آن شامل چهار جزء است. تألیف کتاب قریب هفت سال طول کشیده است. و آن را در ربیع الثانی سال ۱۲۵۴ق در کربلا شروع کرده است و جزء دوم آن در سال ۱۲۵۵ق نوشته شده است و در تاریخ دوم ربیع الأول سال ۱۲۶۰ق کل کتاب به اتمام رسیده است. (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۴، صص ۳۲ و ۳۳ و نیز بنگرید: کاظمینی، ۱۳۸۲، ص ۹۸) سه نسخه از جزءهای مختلف آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به شماره ۵۲۳۵-۷ موجود است. (حسینی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص ۳۲ و ۳۳)

۴. غایة المسؤل و نهاية المأمول - کتابی است در نحو که به تاریخ ۲۰ رمضان

سال ۱۲۵۲ق در کربلا نوشته است. این کتاب حاوی یک مقدمه در تعریف علم نحو و موضوع آن و بیست و یک اصل در مباحث مختلف نحوی به انضمام مطالب دیگر از قبیل خواص حمل و انواع آن است. در اول کتاب پس از حمد و ثنای الهی خود را

چنین معرفی می‌کند: «فیقولُ الغریقُ فی بحار الطغیان، الحریقُ بنار العصیان، نظام‌الدین عبدالسمیع بن محمدعلی بن أحمد البزیدی...». در این کتاب علاوه بر نحو مباحثی نیز از معانی و بیان مطرح شده است. نویسنده در این باره می‌گوید: «شرعتُ فی تحقیقها... مشیراً لتشیید هذا البیان إلى بعض دقائق علم المعانی و البیان» (البزیدی، ۱۲۵۲، برگ ۱).
نسخه‌های موجود این کتاب عبارتند از:

ا) نسخه‌ای به خط مؤلف در کتابخانه شخصی سید هبه‌الدین شهرستانی در کاظمین.
ب) نسخه‌ای به خط محمدنبی بن گل محمد استرآبادی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۸۱۹۱ م. که به سال ۱۲۶۳ ق به خط نستعلیق شکسته نوشته شده است.
ج) نسخه‌ای در کتابخانه ملی ایران ضمن مجموعه شماره ۱۱۰۶ الف.
د) نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۹۱۲. که به خط خود مؤلف است و مهر وی نیز در اول آن نمایان است که نام «محمدسمیع» بر آن حک گردیده است.^۱ (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱۶، ص ۲۲؛ انوار، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۲۸؛ دانش پژوه، ۱۳۳۹، ج ۱۲، ص ۲۹۵)

۵. القصيدة النحویة - لامیه‌ای است در بحر رجز در علم نحو که در کتاب «غایة المسؤل و نهاية المأمول» در باب المنصرف و غیر المنصرف بدان اشاره کرده است و ابیات زیر را از آن آورده است: «و قد نظمُها فی قصیدتی النحویة حیث قلت:

«لَمْ یَنْصَرِفْ مَا كَانَ مِنْ تَسَعِ الْعِلَلِ	ثَنَّتَيْنِ أَوْ مَا كَانَتَيْنِ تَحْمَلَا
الفِ وَ نونِ زَائِدَتَيْنِ وَ عُجْمَةَ	جَمْعِ وَ تَرْكِيبِ وَ تَأْنِیْثِ عَلٰی
قَسْمِیهِ عَدَلٍ وَ زَنِ فِعْلِ مَعْرِفَةِ	صَفَةِ فَمِنْ كَسْرِ وَ تَنْوِینِ خَلَا»

(البزیدی، ۱۲۵۲، برگ ۷)

۶. شرح القصيدة النحویة - شرحی است بر قصیده فوق الذکر که در کتاب «غایة المسؤل» در باب اعراب فعل مضارع به آن اشاره شده است. (همان، برگ ۱۱)

۷. شرح ألفیه - شرح نسبتاً مفصلاً است بر ألفیه ابن مالک، با در نظر گرفتن مطالب سیوطی در کتاب «البهجة المرضیة» که در تاریخ ۲۲ رمضان سال ۱۲۵۵ ق به پایان رسیده است. شارح یک یا چند بیت از اشعار ابن مالک را آورده و مقصود ناظم و

سیوطی را بیان می‌کند، پس از آن اشکالات بر آن دو را می‌آورد و از مجموع سخنان نتیجه‌گیری می‌کند. در پایان کتاب بیان می‌دارد که شرح را به دستور یکی از برادران خود نوشته است و هر روز دو جزء کتاب را بدون داشتن کتابی می‌نوشته است. نسخه - ای از این شرح به خط خود مؤلف در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی به شماره ۹۸۲۴ موجود است. (حسینی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۵۱)

۸. **الفریده فی شواهد المغنی** - این کتاب شرح شواهد "مغنی" است و در ربیع الأول سال ۱۲۴۵ ق نگاشته شده است. بیشتر مطالب آن منقول و مأخوذ از شرح سیوطی بر شواهد "مغنی اللیب" است. دو نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیه‌الله طباطبایی شیراز موجود است. (عرفانیان، ۱۳۷۰، ص ۲۶۳ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۸۲۳، ج ۷، ص ۱۰۱۴ و حافظیان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۲)

۹. **کشف المکنون در اصول فقه** - این کتاب شرحی است به صورت **قال أقول** بر کتاب "تهذیب الوصول إلى علم الأصول" علامه حسن بن یوسف حلّی. و نسخه خطی آن در کتابخانه سپهسالار موجود است. (دانش پژوه و منزوی، بی تا، ج ۵، ص ۴۳۵ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۶۶)

۱۰. **نظامیه** - رساله‌ای است بسیار مختصر در اخلاق، و به زبان عربی نگاشته شده است. در کتابخانه سپهسالار تهران نسخه خطی آن موجود است. (دانش پژوه و منزوی، بی تا، ج ۵، ص ۷۱۸ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۷۲۸). عبدالسمیع در سه کتاب اخیر، خود را نظام‌الدین محمدسمیع بن محمدعلی یزدی معرفی کرده است.

۱۱. **منظومه العروة الوثقی؛**

۱۲. **شرح العروة الوثقی؛**

۱۳. **نیل المرام و درّ النظام؛**

درباره سه کتاب اخیر جداگانه سخن به میان خواهد آمد.

۱۴. **الدرّ النظیم** - در کتاب "نیل المرام" از قصیده‌ای در نحو به نام «الدرّ النظیم»

یاد شده است. (الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۲۸)

۱۵. کشف المکنون - کتاب شرحی است بر منظومۀ نحوی «الدرّ النظیم». (همانجا)

۱۶. الهدایا - کتابی است در نحو که در کتاب "نیل المرام" از آن یاد شده است.

(همان، برگ ۱۱۵)

۱۷. رسائلی در نحو - در کتاب «نیل المرام» به چند رساله در نحو از مؤلف

ارجاع داده شده است. (همان، برگ ۳۱، ۳۵، ۱۲۷)

منظومۀ العروة الوثقی

نقش شعر و نظم در آموزش و تسهیل آن، امری بدیهی و آشکار است و منظومه‌سرایی در علوم مختلف از جمله نحو عربی قدمتی دیرین دارد. نحویان خوش قریحه برای سهولت یادگیری قواعد نحوی به سرودن منظومه‌های نحوی پرداخته‌اند. نمونه بارز آن «ألفیه ابن مالک» است که با شهرتی بی‌بدیل تمامی منظومه‌های نحوی را به سایه خود برده است.

العروة الوثقی ارجوزه‌ای است در علم نحو. ناظم این منظومه را در یک مقدمه و هفت باب و در یکصد و ده بیت به رشته نظم کشیده و آن را به سید مرتضی بن عزیز الله الموسوی الجزائری تقدیم کرده است. شمار ابیات این منظومه - چنانکه خود ناظم گفته است - مطابق نام امام علی (ع) است. وی در شرح منظوم منظومه، در سبب سرودن این منظومه گفته است:

«نَظَمْتُهُ لِقُرَّةِ الْعَيْنَيْنِ	وَ مَوْنِسِ الْوَحْدَةِ فِي الدَّارَيْنِ
وَ مَنْ يُعِشْنِي اسْمُهُ عِنْدَ الْفِتَنِ	وَ شِدَّةِ الْحَزَنِ إِذَا هَاجَ الْمَحْنُ
وَ قَدْ جَعَلْتُهُ هَدِيَّةً إِلَى	عَيْنِ الْحِجَا بَدْرِ الدُّجَى بَحْرِ الْعُلَى
ابنِ عَزِيزِ اللَّهِ ذِي الْمَفَاخِرِ	الموسويُّ مُرْتَضَى الْجَزَائِرِي
سَيِّطِ السَّلَاطِينِ جَنَابِ الْوَالِي	لَا زَالَ ظَلُّهُ الظَّلِيلِ الْعَالِي»

(البيزدي، ۱۲۵۳، برگ ۱)

نامگذاری این منظومه توسط ملا علی اکبر زارچی یزدی صورت گرفته است چنان که خود ناظم در شرح منظومه گفته است: «العروة الوثقی من بعض الشيوخ له جاءت سمة». سپس در حاشیه آورده است: «هو أستاذ لي في علم العربية اسمه الآخوند ملا علي أكبر

الزاجی الیزدی و قد قاله فی بعض أسفاره إلی کربلاء - علی مشرفها الثناء - حین لاحظ
النسخة» (همانجا)

بخش‌های منظومه:

منظومه‌های تعلیمی در سه بخش اصلی مقدمه، متن و خاتمه تنظیم می‌شوند. در مقدمه، تحمید و معرفی و فایده منظومه و ویژگی‌های آن آورده می‌شود. منظومه‌ها با یاد خداوند و درود بر پیامبر و خاندان وی آغاز شده و به بخش معرفی منظومه وارد می‌شود. در قسمت معرفی، نام منظومه، ناظم و محتوای منظومه ذکر می‌شود. البته گاهی اسم منظومه در خاتمه می‌آید. گاه ناظران در بخش مقدمه بحر عروضی منظومه، عدد ابیات آن را می‌آورند.

در بخش متن به موضوعات علم و فصول و قواعد آن علم که گاه با مثال همراه است پرداخته می‌شود.

در خاتمه نیز حمد و سپاس پروردگار و صلوات بر پیامبر آورده می‌شود. همچنین در خاتمه، آوردن تعداد ابیات منظومه، تاریخ نظم که معمولاً به حساب ابجد است، معمول و شایع است.

منظومه «العروة الوثقی» نیز از این قاعده جدا نبوده و ناظم منظومه خود را طبق شیوه معمول همه منظومه‌ها سروده است:

۱. مقدمه: مقدمه منظومه ۵ بیت دارد. در بیت اول حمد الهی و درود بر پیامبر و خاندان وی گنجانده شده است. در بیت دوم ناظم به معرفی موضوع منظومه و ویژگی‌های آن پرداخته و آن را مختصر و مفید و مغنی می‌داند. در بیت سوم و چهارم به مرتضی بن عزیر موسوی اشاره می‌کند که منظومه برای وی سروده شده است. در بیت پنجم به نام منظومه و بخش‌های آن اشاره کرده است.

۲. متن: متن اصلی منظومه شامل مقدمه و هفت باب به شرح زیر است:

الف: مقدمه در تعریف علم نحو و فایده آن، کلام، معرب و مبنی، منصرف و غیرمنصرف، اعراب و اقسام آن ۱۲ بیت

ب: باب یکم در مرفوعات شامل ۱۰ بیت

ج: باب دوم در منصوبات ۲۷ بیت

د: باب سوم در مجرورات شامل ۶ بیت

ه: باب چهارم در بیان اوصاف عامل ۹ بیت و توابع شامل ۳ بیت

و: باب پنجم در اسم ۱۱ بیت

ز: باب ششم در فعل ۱۳ بیت

ح: باب هفتم در حروف شامل ۱۰ بیت

در متن اصلی منظومه ناظم بیشتر به بیان قواعد می پردازد و از مثال کمتر استفاده می کند مثال‌های ناظم در منظومه از عدد ۱۴ تجاوز نمی کند.

۳. خاتمه: خاتمه منظومه ۴ بیت است که به حمد الهی و درود بر پیامبر و خاندان وی می پردازد. در مصراع پایانی قصیده از عبارت «بهم نظام الدین» استفاده کرده و سپس در شرح آن را این گونه توضیح می دهد: «و بهم نظام الدین ای بیدهم نظمهُ أو معهم العبدُ الحقیقُ الفقیرُ الملقبُ بنظام الدین عفا الله عنه». بدین ترتیب به نام خود اشاره می کند. ناظم در منظومه به تعداد ابیات و تاریخ نظم منظومه اشاره ای نکرده است. فقط در شرح منظومه تعداد ابیات آن را بیان می کند.

نسخه‌های موجود منظومه:

- نسخه‌ای از این منظومه در مکتبه الأوقاف العامة بغداد به شماره ۶۰۹۱ در شش برگ موجود است. در حواشی آن تعلیقاتی از قاسم آغا الکروی آمده است. در فهرست نسخ خطی کتابخانه به اشتباه آن را به ابن عزیز موسوی نسبت داده‌اند. (الجبوری، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۷) که صحیح نیست و چنان که گفته شد، ناظم منظومه را به ابن عزیز موسوی هدیه کرده است.

- نسخه‌ای دیگر در کتابخانه شخصی عبدالوهاب نیازی در بغداد به شماره ۱/۴۵۴۱ در ۱۵ صفحه موجود است. که تعداد ابیات آن ۱۰۵ بیت است و در حاشیه آن شرح ابیات منظومه آمده است. (النقشبندی، ۲۰۰۲، ص ۵۸)

شرح منظومه:

الف- «نیل المرام و درّ النظام»^۲ - شرح مزجی و مثنوی است که توسط ناظم نوشته شده است. برای نمونه بیت اول منظومه این گونه شرح شده است:

« حَمْدًا جَمِيلًا غَيْرَ مَحْدُودٍ وَ شُكْرًا جَزِيلًا غَيْرَ مَعْدُودٍ لِمَنْ أَفَاضَ عَلَيْنَا بِالْجُودِ نِعْمَةً
الْوُجُودِ وَ كَرَمًا مِنْ بَيْنِ عِبَادِهِ بِالْمُصْطَفَى الْمَمَجَّدِ الْمَحْمُودِ وَ صَهْرِهِ عَلِيٍّ وَلِيِّ الْحَقِّ
الْمَعْبُودِ وَ وَلَدِهِ وَ أَبْنَائِهِ الْمَعْصُومِينَ خُلَفَاءَ الْمَلِكِ الْوَدُودِ وَ أَهْلِ الْكِرَامِ وَ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ».
 این شرح به تاریخ دوشنبه نوزدهم جمادی الأولى سال ۱۲۵۳ق و در دوران جوانی عبدالسمیع نوشته شده است. عبدالسمیع در پایان شرح به این نکته اشاره کرده و می-نویسد: «و إني قد همتُ على إتمام ذلك الأمر الجليل في أوائل الشباب و لقد فرغت من تأليفها في ضحوة يوم الاثنين التاسع من العشر الثاني من الشهر الخامس من السنة الثالثة من العشر السادس من المائة الثالثة من الألف الثاني حامدًا مصليًا مسلمًا في قصبة كربلاء على مشرفها ألف آلاف تحية و سلام و ثناء» (البيدي، ۱۲۵۳، برگ ۱۵۵)

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه الله حکیم در نجف اشرف موجود است. این نسخه به خط خود مؤلف است که در ۱۵۵ برگ نوشته شده است و حواشی بسیار مفیدی را از مؤلف در بر دارد. چنان که گذشت این کتاب شرح مزجی و مثنوی منظومه است. و کلمات منظومه در شرح با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. (زوبین و همکاران، ۱۴۴۳، ص ۹۲۷، <http://alhakeemlib.org/WebPages>).

شارح نسخه‌ای از این کتاب را در سال ۱۲۵۴ق، به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی صاحب کتاب «الفصول» هدیه کرده است (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۲۴، ص ۴۳۸) در اول نسخه مذکور دست خطی از مؤلف مبنی بر اهدای کتاب به ایشان موجود است.

نسخه‌ای دیگر از این کتاب در مدرسه حجازیه در شهر مقدس قم موجود است، که به اشتباه در فهرست نسخ خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی آورده شده است، همچنین به اشتباه گمان شده است که همان نسخه اهدایی مؤلف به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی است. (صدرایی خویی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۰۸). اما

این نسخه در واقع نسخه اولیه مؤلف است و شاید خط خوردگی‌های فراوان آن این ادعا را تأیید کند، همچنین در اول نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله حکیم دستخط مؤلف مبنی بر اهدای کتاب به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی موجود است. در فهرست نسخ خطی مذکور به اشتباه تاریخ تألیف کتاب روز دوشنبه ۱۹ ذی‌القعدة ۱۲۵۳ ذکر شده است. و حال آنکه قسمت پایانی کتاب که در آن تاریخ تألیف کتاب ذکر شده است پاره شده و ناخواناست. این نسخه دارای افتادگی در اول بوده و همچنین در قسمت پایانی کتاب، مؤلف آن را «کشف الرموز» نام نهاده و سپس روی آن خط کشیده و آن را به «البدر النظام و نیل المرام» تغییر داده است. (همانجا). چنانکه مشخص گردید و همچنین مطابق با نسخه خطی کتابخانه آیه الله حکیم نام کتاب «نیل المرام و درّ النظام» بوده است و در تاریخ دوشنبه نوزدهم جمادی الأولى سال ۱۲۵۳ ق نگاشته شده است. (ر.ک: الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۲۴، ص ۴۳۸ و ج ۱۵، ص ۲۵۱؛ همو، ۱۴۰۴، ص ۷۳۴؛ الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۱۵۴ و ۱۵۵)

ب- «شرح مزجی منظوم»- که خود ناظم نوشته است و در حدود ۴۰۰ بیت است. برای مثال بیت اول ارجوزه چنین شرح شده است:

«حَمْدًا جَمِيلاً لَمْ يُحِطْ بِهِ أَحَدٌ	وَ لَمْ يَكِدْ يُحْصِيهِ عَدٌّ وَ يُعَدُّ
لِمَنْ هَدَانَا مِنْهُجَ الرَّشَادِ	بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَ السَّدَادِ
كَرَّمَنَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ	وَ صَهْرَهُ الْمُؤَيَّدِ الْمُمَجِّدِ
وَ وُلْدِهِ أَهْلَ الْوَفَاءِ وَ الْكَرَمِ	وَ صَحْبِهِ الْأَبْرَارِ سَادَاتِ الْأُمَمِ

(الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۱)

این شرح در حاشیه نسخه خطی «نیل المرام و درّ النظام» موجود در کتابخانه آیه الله

حکیم به خط خود ناظم، آمده است.

ج- «شرح علی بن عطیفة»- توسط علی بن عطیفة الحسنی الحسینی الکاظمی نوشته شده است. وی از شاگردان ناظم بوده است.^۳

تصحیح منظومه:

تصحیح ابیات منظومه از روی نسخه‌های خطی زیر صورت پذیرفته است:

- ۱- نسخه‌ای از کتاب «نیل المرام و در النظام» به شماره ۴۱ موجود در کتابخانه عمومی آیه‌الله حکیم در نجف. کلمات منظومه در این نسخه با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. و برای آن علامت «ن» انتخاب شده است.
 - ۲- نسخه‌ای از شرح منظوم منظومه که توسط خود ناظم و در ۴۰۰ بیت سروده شده است. و کلمات منظومه در شرح با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. این شرح در حاشیه نسخه «ن» و به خط خود مؤلف آمده است. و در این نوشته با علامت «ش» مشخص شده است.
 - ۳- نسخه‌ای از شرح علی بن عطیفة موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۵۴۴ که به تاریخ شنبه ۱۸ ربیع الثانی سال ۱۳۲۲ق به خط عبدالحسین بن ملا مهدی طرخورانی تفرشی کتابت شده و در این نوشته با علامت «ط» مشخص شده است.
 - ۴- نسخه‌ای از شرح علی بن عطیفة موجود در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۰۴۷۵، که به تاریخ ۲۹ رجب سال ۱۳۲۲ توسط کاتب فوق الذکر نگاشته شده است. این نسخه را با علامت «م» مشخص کرده‌ایم.
- لازم به ذکر است که در تصحیح ابیات، نسخه‌های «ن» و «ش» که به خط خود ناظم نگاشته شده است اصل قرار داده شده است.
 - همچنین عنوان باب‌ها و مقدمه مطابق نسخه «ن» است و در دیگر نسخه‌ها نیامده است.
 - در مواردی برای انتخاب صورت صحیح کلمات علاوه بر صحت آن از لحاظ معنی، از لحاظ عروضی نیز بررسی شده است تا خللی در وزن رخ ندهد.

منظومة العروة الوثقى النحوية

- (١) حَمْدًا لِمَنْ كَرَّمَنَا بِالْمُصْطَفَى وَ صِهْرِهِ وَ وُلْدِهِ أَهْلِ الْوَفَا
 (٢) وَ بَعْدُ ذَا نَظْمٍ كَثِيرٍ الْفَائِدَةَ مُخْتَصِرًا فِي النَّحْوِ يُعْنِي قَاصِدَهُ
 (٣) نَظَّمْتُهُ لِقُرَّةِ الْعَيْنِ وَ مَنْ يُعْيِثُنِي اسْمُهُ إِذَا هَاجَ السِّحْنَ
 (٤) ابْنِ عَزِيزِ الْمُسَوِّىِّ مُرْتَضَى جَنَّبَ عَنْهُ رَبُّهُ سُوءَ الْقَضَا
 (٥) وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى لَهُ جَاءَتْ سِمَهُ وَ فِيهِ أَبْوَابٌ تَلِي الْمُقَدَّمَ^٨

[المقدمة في علم النحو و الإعراب و أنواعه]

- (٦) النَّحْوُ عِلْمٌ مَنْ رَعَاهُ وَ ارْتَبَطَ لَمْ يُلْفَ فِي إِعْرَابِهِ الْخَطَأُ قَطُ^٩
 (٧) مَوْضُوعُهُ الْكَلَامُ وَ هُوَ مَا اشْتَمَلَ قَوْلًا مُفِيدًا وَ يَعْمُهُ الْجُمْلُ
 (٨) وَ الْكَلِمُ الثَّلَاثُ فِعْلٌ اقْتَرَنَ^{١٠} هَيْئَتُهُ وَضْعًا بِوَاحِدِ الزَّمَنِ
 (٩) وَ الْإِسْمُ مَا سِوَاهُ حَيْثُمَا اسْتَقَلَّ مَعْنَى وَ مَا عَدَا هُمَا الْحَرْفُ كـ«هَلْ»
 (١٠) وَ وَاحِدِ الثَّلَاثِ عَدَدُ الْكَلِمَةِ وَ الْكَلِمُ الْكُلُّ وَ لِلْكُلِّ سِمَهُ
 (١١) وَ الْإِسْمُ حَيْثُمَا بَدَأَ مُرَكَّبًا لَمْ يَشْبِهِ الْحَرْفَ يَسْمَى الْمَعْرَبًا
 (١٢) وَ ذَاكَ قِسْمَانِ فَمِنْهُ مُنْصَرَفٌ وَ مَا لِشِبْهِ الْفِعْلِ لَيْسَ^{١١} يَنْصَرَفُ
 (١٣) وَ تَمْنَعُ^{١٢} اثْنَتَانِ مِنْ تِسْعِ الْعِلَلِ لِلصَّرْفِ أَوْ مَا كَانَتَيْنِ حَيْثُ حُلُّ
 (١٤) كَالْجَمْعِ وَ التَّائِيثِ وَ الْبَاقِي صِفَةٌ وَ الْعَدْلُ وَ التَّرْكِيبُ ثُمَّ الْمَعْرِفَةُ
 (١٥) وَ عَجْمَةٌ وَ وَزْنُ فِعْلٍ وَ أَلْفٌ زَائِدَةٌ وَ بَعْدَهَا^{١٣} تُونٌ رَدْفٌ
 (١٦) وَ الْأَصْلُ فِي الْإِعْرَابِ لَفْظِي يَتِمُّ بِالْحَرَكَاتِ غَيْرُهُ فَرَعًا عُلِمَ
 (١٧) وَ هُوَ عَلَى أَرْبَعَةٍ مَهْمَا ظَهَرَ رَفَعٌ وَ نَصَبٌ ثُمَّ جَرٌّ ثُمَّ جَرٌّ

[الباب الأول في المرفوعات]

- (١٨) الْفَاعِلُ اسْمٌ مُسْنَدٌ إِلَيْهِ مَا مِنْ فِعْلٍ أَوْ شِبْهِ عَلَيْهِ قُدِّمًا
 (١٩) وَ مَعَ ظُهُورِهِ فَأَفْرَدٌ مُطْلَقًا مُسْنَدَهُ وَ إِنْ يُقَدَّرُ طَوْبِقًا^{١٤}
 (٢٠) وَ أَنْتِ الْمُسْنَدُ حَيْثُمَا اسْتَرَّ مُؤَنَّثًا وَ رَجَحْنَهُ إِنْ ظَهَرَ
 (٢١) إِلَّا إِذَا كَانَ حَقِيقِيًّا وَ لَا بَيْنَهُمَا بَيْنَ شَيْءٍ^{١٥} فَاصِلًا
 (٢٢) وَ إِنْ^{١٦} يَنْبُ مَنَابَهُ الْمَفْعُولُ بِهِ شَارِكُهُ فِي كُلِّ حُكْمٍ فَاتَّيَبَهُ
 (٢٣) الْمُبْتَدَأُ اسْمٌ جَاءَ بَعْدَهُ الْخَيْرُ مِنْ مُفْرَدٍ أَوْ جُمْلَةٍ أَوْ حَرْفِ جَرٍّ
 (٢٤) وَ أَصْلُهُ قَاعِدَةٌ أَنْ يَسْتَبِقَ مَعْرِفَةً عَكْسَ الَّذِي بِهِ لِحَقُّ

- ۲۵) وَ حَذَفُ كُلِّ جَائِزٍ إِذَا عُرِفَ
 ۲۶) وَ «لَا» لِنَفْيِ الْجِنْسِ نَحْوُ «لَا مَفْرٌ»
 ۲۷) وَ يُرْفَعُ اسْمٌ «كَانَ» وَ اسْمٌ «لَا» وَ «مَا»

[الباب الثاني في المنصوبات]

- ۲۸) وَ يُنْصَبُ^{۱۸} الْمَفْعُولُ بِالْفِعْلِ مَتَى
 ۲۹) وَ الْأَصْلُ أَنْ يُذَكَّرَ تَلَوَ الْفَاعِلِ
 ۳۰) إِلَّا إِذَا شَاهَدَتْ مَنَعًا فَاجْتَنِبْ
 ۳۱) وَ حَذَفُ مَا يَعْمَلُ^{۲۰} فِيهِ لِازِمٌ
 ۳۲) وَ ذَا فِي الْأَشْتِعَالِ وَ النَّدَاءِ
 ۳۳) وَ الْمَصْدَرُ انْصَبَ مُطْلَقًا إِذَا وَرَدَ
 ۳۴) وَ جَاَزَ حَذْفُ مَا لَهُ فِيهِ الْعَمَلُ
 ۳۵) وَ الْمَصْدَرُ الْمَفْهُومُ إِنْ عَامَلَهُ
 ۳۶) وَ شَرَطُ نَصْبِهِ اتِّحَادُ الْعَامِلِ
 ۳۷) وَ النَّصْبُ شَائِعٌ إِذَا تَجَرَّدَا
 ۳۸) وَ انْصَبَ زَمَانًا مُطْلَقًا وَ^{۲۵} مُبَهَمًا
 ۳۹) وَ جَاَزَ^{۲۶} نَصْبُ غَيْرِهِ لِعَارِضٍ
 ۴۰) انْصَبَ^{۲۷} وَجُوبًا تَالِيًا لِـ«وَإِ» مَعَ
 ۴۱) وَ إِنْ يَجُزُّ فَهُوَ عَلَى النَّصْبِ رَجَحٌ
 ۴۲) وَ انْصَبَ بِـ«إِلَّا» تَلَوَهَا إِذَا^{۲۹} اتَّصَلَ
 ۴۳) وَ غَيْرُهُ مِنْ دُونِ تَفْرِيفٍ وَقَعَ
 ۴۴) فَالْتَّصِبُ إِلَّا عَنِ تَمِيمٍ اسْتَحَقَّ
 ۴۵) وَ جُرَّ تَلَوَ «الْعَيْرِ» وَ الَّذِي مَضَى
 ۴۶) وَ مِثْلُهُ «سَوَى» بِقَصْرِ وَ بِمَدِّ
 ۴۷) الْحَالِ قَيْدٌ زَائِدٌ تَحِيٌّ بِهِ
 ۴۸) وَ انْصَبَ مَنكُورًا وَ أَوَّلُ مَا نَدَرَ
 ۴۹) فَانْصَبَ مُنْكَرًا تَمِيزًا وَ هُوَ مَا
 ۵۰) وَ الْمَفْرُذُ الْمَقْدَارُ مِنْ غَيْرِ الْعَدَدِ
- جَا مُتَعَدِّيًا كـ«صَادَنِي الْفَتَى»
 وَ جَاءَ قَبْلَهُ وَ قَبْلَ الْعَامِلِ^{۱۹}
 وَ خُلْفُ ذَلِكَ الْأَصْلِ حَتْمًا قَدْ يَجِبُ
 إِنْ كَانَ فِي الْمَقَامِ شَيْءٌ قَائِمٌ
 كَذَلِكَ فِي التَّحْذِيرِ وَ الْإِغْرَاءِ
 مُؤَكَّدًا أَوْ جَا لِتَوْعٍ^{۲۱} أَوْ عَدَدٍ
 وَ احْذِفْهُ فِي الْأَوَّلِ إِنْ كَانَ الْبَدَلُ
 مُعَلَّلٌ بِهِ فَذَا الْمَفْعُولُ لَهُ^{۲۲}
 فِي وَقْتِ مَا يَحْصُلُ بَلْ فِي الْفَاعِلِ^{۲۳}
 مِنْ «ال» كَجَرَّ غَيْرِهِ مَهْمَا^{۲۴} بَدَا
 مِنْ الْمَكَانِ بِالَّذِي تَقَدَّمَ
 لِكَيْتَهُ نَصْبٌ بِنَزْعِ الْخَافِضِ
 بِفِعْلِ أَوْ شِبْهِهِ إِذَا^{۲۸} الْعَطْفُ امْتَنَعَ
 إِلَّا مَعَ الضَّعْفِ عَلَى الْقَوْلِ الْأَصَحِّ
 بِمُوجِبٍ وَ لَا تُجَوِّزُ الْبَدَلُ
 فِيهِ كِلَا الْأَمْرَيْنِ إِلَّا مَا انْقَطَعَ
 وَ مَعَهُ دَعْوَةٌ بِاقْتِضَاءِ مَا سَبَقَ
 لَهُ كـ«جَاءَ الْقَوْمُ غَيْرَ الْمُرْتَضَى»
 كَذَلِكَ «حَاشَا» وَ بِهِ النَّصْبُ وَرَدَ
 لِهَيْئَةِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ بِهِ
 وَ حُكْمُهُ فِي غَيْرِهِ حُكْمُ الْخَبَرِ
 بَيْنَ مَعْنَى اسْمٍ يَكُونُ مُبَهَمًا
 يَجُوزُ جَرُّهُ وَ مِنْهُ قَدْ وَرَدَ

- ٥١) لَكِنَّ ذَا مِنْ الثَّلَاثِ لِلْعَشْرِ بِعَكْسِ قَيْسِ حَالِ الْأُنْتَى وَ الذِّكْرِ
 ٥٢) كَذَاكَ تَلُو الْعَشْرَاتِ مَا بَدَا جُرُّ الَّذِي مَيِّزُهُ وَ أَفْرَادًا
 ٥٣) وَ يُنْصَبُ اسْمُ «إِنَّ» وَ اسْمُ «لَا» مَتَى أَتَى لِنَقِي الْجِنْسِ نَحْوُ «لَا فَتَى»
 ٥٤) كَذَاكَ مَا يَنْصِبُهُ «كَانَ» وَ «مَا» وَ «كَادَ» عِنْدَ غَيْرِ مَنْ تَقَدَّمَ^{٣٠}

[الباب الثالث في المجرورات]

- ٥٥) الْجُرُّ قَدْ يَكُونُ بِالِاسْمِ وَ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»^{٣١}
 ٥٦) وَ الْوَصْفُ إِنْ يُضَفُّ إِلَى الْمَعْمُولِ مِنْ فَاعِلٍ لَهُ أَوْ الْمَفْعُولِ
 ٥٧) فَاسْمُهَا الْإِضَافَةُ اللَّفْظِيَّةُ وَ سَمٌّ غَيْرَهَا بِمَعْنَوِيَّهِ
 ٥٨) وَ اسْمٌ إِلَى اسْمٍ فِي الْكَلَامِ لَمْ يُضَفَّ إِلَّا إِذَا مَعْنَاهُ مَعْنَاهُ اخْتَلَفَ^{٣٢}
 ٥٩) فَامْنَعُ إِضَافَةَ اسْمٍ فَاعِلٍ إِلَى فاعله^{٣٣} إِلَّا إِذَا تَحَوَّلَا
 ٦٠) كَذَاكَ مَا يُشْبِهُهُ وَ فِي اللَّقْبِ ذَاكَ مَعَ التَّوَابِلِ لِلِاسْمِ وَجِبْ

[الباب الرابع في الصفات العاملة عمل الفعل و التوابع]

- ٦١) وَ يَعْمَلُ الْأَوْصَافُ فِي الْمَعْمُولِ مِنْ اسْمِي الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ
 ٦٢) إِنْ لَمْ تَكُنْ تُرِيدُ مِنْهُمَا الْمُضَيَّيَّ فَمَا لَهُ، إِعْمَالَهُ لَا نَرْتَضِي^{٣٤}
 ٦٣) إِلَّا إِذَا وَجَدْتَهُ وَصَلًا لـ«أَل» فَمُطْلَقًا حِينَنَدِ لَهُ الْعَمَلِ
 ٦٤) كَذَاكَ وَصَفٌ جَاءَ كـ«الْفَعَالِ» وَزْنَا أَوْ «الْفَعُولِ» وَ «الْمَفْعَالِ»
 ٦٥) وَ يَعْمَلُ الْمَصْدَرُ كَالْفِعْلِ مَتَى لَمْ يَكُنْ مَفْعُولًا مُؤَكَّدًا أَتَى
 ٦٦) وَ لَا تُقَدَّمُ مَا لَهُ فِيهِ الْعَمَلِ لِأَنَّ أَنْ وَ الْفِعْلُ^{٣٥} فِي الْمَحَلِّ حَلِ
 ٦٧) وَ أَفْعَلُ التَّفْضِيلِ مَا دَلَّ عَلَى كَوْنِ الَّذِي ذَا وَصْفُهُ مُفَضَّلًا
 ٦٨) وَ يَلْزَمُ الْإِفْرَادَ وَ التَّذْكَيرَ إِنْ يُضَفُّ إِلَى الْمَنْكُورِ^{٣٦} أَوْ تَمَّ^{٣٧} بِـ«مِنْ»
 ٦٩) وَ لَيْسَ لِلضَّعْفِ يَصِيرُ^{٣٨} عَامِلًا إِلَّا لِمُضْمَرٍ يَكُونُ فَاعِلًا^{٣٩}
 ٧٠) يَتَّبِعُ الْإِسْمَ النَّعْتُ وَ هُوَ مَا التَّحَقَّقَ لِكَشْفِ مَعْنَى اسْمٍ عَلَيْهِ قَدْ سَبَقَ
 ٧١) وَ هُوَ لَهُ عُرْفًا وَ نُكْرًا ذُو وَفَا وَ فِي سِوَى الْإِعْرَابِ^{٤٠} بِالْفِعْلِ اقْتِسَى
 ٧٢) كَذَلِكَ التَّوَكِيدُ وَ الْعَطْفُ الْبَدَلُ وَ الْكُلُّ فِي الْإِعْرَابِ يَتَّبِعُ الْأَوَّلَ

[الباب الخامس في الأسماء]

- ٧٣) الْإِسْمُ قِسْمَانِ فَمَا دَلَّ عَلَى مُعَيَّنٍ مَعْرِفَةً نَحْوُ «الْأَوْلَى»
 ٧٤) فَمُضْمَرٌ دَلَّ عَلَى التَّكْلُمِ أَوْ الْخِطَابِ أَوْ عَلَى مُقَدَّمٍ^{٤١}

- (٧٥) وَ عَوْدُ مُضْمِرٍ عَلَى مَا بَعْدَهُ
 (٧٦) فِي الشَّانِ وَالْقِصَّةِ رَبٌّ^{٢٤} وَ الْبَدَلُ
 (٧٧) وَ الْأَصْلُ فِي الضَّمِيرِ الْإِتِّصَالُ
 (٧٨) وَ مَا عَلَى مُعَيَّنٍ ذَلٌّ وَ لَمْ
 (٧٩) وَ اسْمُ إِشَارَةٍ كَـ«ذَا» وَ«ذِي» وَ«تِي»
 (٨٠) وَ جُمْلَةُ الْإِنشَاءِ لَمْ تَأْتِ صَلَهِ
 (٨١) كَذَاكَ ذُو اللَّامِ بِقِسْمِيهِ وَ إِنْ
 (٨٢) وَ كُلُّ مَا يُضَافُ مِنْ غَيْرِ صَفِهِ^{٤٤}
 (٨٣) وَ غَيْرِ مَا ذَلٌّ عَلَى شَيْءٍ ذَكَرَ

[الباب السادس في الأفعال]

- (٨٤) الْفِعْلُ إِنْ ذَلَّ عَلَى وَقْتِ مَضَى
 (٨٥) وَ الْأَمْرُ مَا ذَلَّ عَلَى الْحَالِ كَـ«عَدُّ»
 (٨٦) وَ أَصْلُهُ الْبِنَاءُ وَ الْمُضَارَعُ
 (٨٧) فَإِنْ خَلَا عَنِ^{٤٦} نَاصِبٍ وَ مَا جَزَمَ
 (٨٨) وَ نَصِبُهُ بِـ«أَنْ» وَ«لَنْ»، «كَيْ» وَ«إِذَنْ»
 (٨٩) الْفِعْلُ قِسْمَانِ فَمِنْهُ مَا لَزِمَ
 (٩٠) وَ الْمُتَعَدِّي نَاصِبٌ لِوَاحِدٍ
 (٩١) وَ الثَّانِي ثَانِيهِ إِذَا مَا اتَّحَدَا
 (٩٢) وَ غَيْرُهُ كَـ«دَرَهْمًا أَعْطَى^{٤٩} النَّسَاءُ»
 (٩٣) وَ لِاثْنَيْ الثَّانِي الَّذِي قَدْ ثَبَتَا
 (٩٤) إِرْفَعُ^{٥٠} بِـ«نَعْمَ» وَبِـ«سَاءَ»، «بِئْسَ»^{٥١} ذَا
 (٩٥) وَ بَعْدَهَا اذْكُرْ مَا بِمَدْحٍ أَوْ بِذَمٍّ
 (٩٦) يَنْطِقُ بِالْفِعْلَيْنِ مَنْ تَعَجَّبَا

[الباب السابع في الحروف]

- (٩٧) الْحَرْفُ أَقْسَامٌ فَمِنْهَا مَا أَتَى
 (٩٨) وَ«رُبُّ» وَ«اللَّامُ» وَ«فِي»، «حَتَّى»، «إِلَى»
 (٩٩) «عَلَى» «لَعَلَّ» عَنْ بَنِي عُقَيْلٍ
- لِلجَرِّ وَ هُوَ «مِنْ» وَ«عَنْ» وَ«بِأَنَّ» وَ«تَأَنَّ»
 وَ الْوَاوُ وَ الْكَافُ، عَدَا، حَاشَا، خَلَا
 «مُدُّ»، «مُنْدُ»، «كَيْ»، «مَتَى»^{٥٤} لَدَى هُذَيْلٍ

- ۱۰۰) وَ بَعْضُهَا نَاسِخٌ جُزْئِيٌّ ابْتِدَاءً
 ۱۰۱) وَ بَعْضُهَا حُرُوفٌ جَزْمٌ وَ مَضْيٌ
 ۱۰۲) حُرُوفٌ الْإِجَابِ «بَلَى» «نَعَمْ» «أَجَلٌ»
 ۱۰۳) وَ جَاءَ لِلتَّفْسِيرِ حَرْفَانِ ۵۷ فَ «أَيُّ»
 ۱۰۴) وَ مَصْدَرِيُّ الْحَرْفِ «كَيْ» وَ «لَوْ» وَ «مَا»
 ۱۰۵) وَ مَا لِتَحْضِيضِ ۵۸ فَ «أَلَا» وَ «أَلَا»
 ۱۰۶) لِلرُّدْعِ «كَلَّا» وَ لِلاِسْتِفْهَامِ «هَلْ»
 ۱۰۷) ذَا آخِرِ الْكَلَامِ فِي الْمَقَامِ
 ۱۰۸) ثُمَّ الَّتِي نَأَلْتُ إِلَى الْقَبُولِ
 ۱۰۹) مُحَمَّدٍ مُنْقِدٍ مَنِ اطَّاعَهُ
 ۱۱۰) وَ آلِهِ مَعَالِمِ الْيَقِينِ
- مِنْ مُشْبِهِهِ ۵۵ الْفِعْلِ وَ ذَاكَ قَدْ بَدَأَ
 إِشَارَةً لِذِكْرِهَا يَا مُرْتَضَى ۵۶
 «جَيْرٍ» وَ «إِي» وَ «إِنَّ» وَ الْأَخِيرُ قُلِ
 وَ «أَنَّ» لِمَعْنَى الْقَوْلِ فَاحْفَظْ يَا بُنَيَّ
 وَ «أَنَّ» «أَنَّ» وَ حَرْفُ تَنْبِيهِ «أَمَّا»
 «لَوْلَا» وَ «لَوْمًا» وَ أَتَى «هَلَّا» «هَلَّا»
 وَ «هَمْزَةً» وَ «قَدْ» لِتَقْرِيبِ الْأَمَلِ ۵۹
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى التَّمَامِ ۶۰
 مِنَ التَّحِيَّاتِ عَلَى الرَّسُولِ
 وَ صَاحِبِ الْكُوْتَرِ وَ الشَّقَاعَةِ
 أُنْمِيَهُ بِهِمْ نِظَامُ الدِّينِ

کلام آخر:

منظومۀ «العروة الوثقی» به منظور تعلیم زبان عربی و تسهیل قواعد آن، نمونه بارزی است که توجه ایرانیان و خدماتشان به زبان عربی را به خوبی نشان می‌دهد. تلاش ناظم را می‌توان در شمار نظم و ادبیات تعلیمی دانست. نمونه‌هایی از این گونه نظم در علوم مختلف، در کتب خطی کتابخانه‌ها به وفور یافت می‌شود که تصحیح و تحقیق آن، تلاش‌های علمی ایرانیان را بیش از پیش می‌نمایاند.

پی‌نوشت‌ها:

- این کتاب به راهنمایی مرحوم دکتر امیر محمود انوار توسط خانم لبانه پرهیزکار به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تصحیح شده است. (رضایی هفتادری و اسماعیلی کرکشه، ۱۳۹۰، ص ۳۰).
- تصحیح و بررسی این کتاب عنوان رساله دکتری نگارنده اول مقاله، در دانشگاه تهران به راهنمایی آقای دکتر غلامعباس رضایی هفتادری است.
- این کتاب توسط نگارنده اول مقاله، به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمایی آقایان دکتر دیباجی و دکتر رضایی هفتادری، در دانشگاه تهران تصحیح شده است.

۴. مصراع دوم بیت در نسخه کتابخانه اوقاف بغداد به این صورت آمده است: «و آله و صحبه اهل الوفا» (الجبوري، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۷). متن مطابق نسخه های «ن»، «ش»، «م» و «ط» و همچنین نسخه موجود در کتابخانه عبدالوهاب نیازی بغداد (التقشبندي، ۲۰۰۲، ص ۵۸) و کتاب الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۳، ص ۳۶۹ و ج ۱۵، ص ۲۵۱) است.
۵. «ط»: مختص فی النحو. «م»: مختص بالنحو. متن مطابق «ش» و «ن» و نسخه کتابخانه عبدالوهاب نیازی (التقشبندي، ۲۰۰۲، ص ۵۸) و الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۵، ص ۲۵۱) می باشد.
۶. الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۵، ص ۲۵۱): تغنی. که با توجه به مذكر بودن «ذا و نظم و مختصر» و ضمیر «قاصده» صحیح نیست.
۷. در حاشیه «ن» آمده است: «و المراد بالموصول في قوله: و من يغني اسميه، أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب فإن اسمه علي و هو بالحساب مائة و عشرة و هو يوافق عدد أبيات الكتاب و لقبه المرتضى و هو يوافق اسم من أُلّف الكتاب لأجله».
۸. مرجع ضمیر در «له» و «فيه» نظم است.
۹. «ن»: في إعرابه قط الغلط. و در حاشیه آمده است: «و في بعض نسخ المتن كذا: لم يلف في إعرابه الخطاء قط» و كلاهما حسن. متن مطابق «ش»، «م» و «ط»
۱۰. «م» و «ط»: ما اقترن
۱۱. «م» و «ط»: فليس
۱۲. «م» و «ط»: يَمْنَع
۱۳. «م» و «ط»: زائدة من بعدها. «ش»: زائدة و مثلها نونٌ رَدِفَ.
۱۴. «م» و «ط»: طابقا
۱۵. «م»: شيئاً.
۱۶. «ن»: فإن
۱۷. «ش»: تنصب الخبر
۱۸. «م» و «ط»: ينتصب المفعول
۱۹. «م» و «ط»: و قبل الفاعل
۲۰. «ط»: يُعَلِّمُ
۲۱. «ش»: لِنَفِي
۲۲. در نسخه «م» و «ط» این بیت و دو بیت بعد از آن، پس از بیت ۳۹ آمده است.
۲۳. «م» و «ط»: بل و الفاعل
۲۴. «م» و «ط»: إذا

۲۵. «م» و «ط»: أو
۲۶. «م» و «ط»: جاء
۲۷. «م» و «ط»: وَاَنْصَبُ
۲۸. «ط»: إذ
۲۹. «م»: إذ
۳۰. «عند غیر من تقدما» یعنی نحویان متأخر، چرا که نحویان متقدم «کاد» و اخوات آن را جزء نواسخ مبتدا و خبر نمی دانند. (ر. ک: الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۳۴ و ۷۳)
۳۱. «م»: الْجَرُّ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ وَ قَدْ يَكُونُ بِالاسْمِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»
- «ط»: الْجَرُّ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ وَ قَدْ يَكُونُ فِي الْاسْمِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»
۳۲. یعنی معنای مضاف با معنای مضاف إليه مختلف باشد. (ر. ک: همان، برگ ۸۲)
۳۳. «م» و «ط»: مرفوعه.
۳۴. «م» و «ط»: لا تَرْضَى
۳۵. «م»: لِأَنَّ أَنْ يَفْعَلَ . «ط»: لِأَنَّ أَنْ يَفْعَلَ
۳۶. «م»: إِلَى التُّكُورِ
۳۷. «م» و «ط»: يَتِيمٌ
۳۸. «م» و «ط»: يَكُونُ
۳۹. «ط»: عَامِلًا
۴۰. «م» و «ط»: سِوَى ذَلِكَ
۴۱. «م» و «ط»: تَقْلُبُ
۴۲. «م» و «ط»: وَ رَبٌّ. متن مطابق «ن» و «ش» و «غاية المسؤول و نهاية المأمول».
۴۳. ناظم در «غاية المسؤول و نهاية المأمول» این دو بیت را از شخص دیگری می داند و می نویسد: «فاعلم أنه يجب تقدم مفسر ضمير الغائب لفظاً أو معنى أو حكماً إلا في مواضع نظمها بعضهم في بيت و هو: وَ عَوْدُ مُضْمَرٍ عَلَى مَا بَعْدَهُ
يَجُوزُ فِي التَّدْوِيرِ فَاحْفَظْ عَدَّهُ
نِعْمَ وَ بَسْ وَ تَنَازَعِ الْعَمَلُ»
فِي الشَّانِ وَالْقِصَّةِ، رَبُّ وَ الْبَدَلُ
- (الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۵۵)
۴۴. «م» و «ط»: الصفة
۴۵. «م» و «ط»: يُسَمَّى الْمَعْرِفَةَ
۴۶. «م» و «ط»: مِنْ
۴۷. «م» و «ط»: أَوْ

۴۸. «ط»: الاثنین
۴۹. «م» و «ط»: أُعْطِيَ
۵۰. «م» و «ط»: و ارفع
۵۱. «ش»: ارفع بنعم بئس ساء «م» و «ط»: بنعم ساء بئس
۵۲. «م» و «ط»: لفظًا ذا
۵۳. «م»: أفعال بعد ما و أفعال بعد ما «ط»: أفعال بعد ما و أفعال بعد با
۵۴. حرف جر «متی» در «م» و «ط» نیامده است.
۵۵. «م» و «ط»: شبه.
۵۶. «ط»: ما یر تضي
۵۷. «ط»: حافا
۵۸. «م» و «ط»: و التحضيض به جای «و ما لتضيض»
۵۹. «م» و «ط»: الأجل
۶۰. این بیت و سه بیت بعد از آن در نسخه «م» و «ط» نیامده است.

فهرست منابع

الف - منابع چاپی:

- اشکوری، جعفر، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان، قم: مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- الأمین، السيد محسن، أعيان الشيعة، تحقيق حسن الأمين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- انوار، عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، تهران: چاپ میهن، ۱۳۵۱ش.
- الجبوري، عبدالله، فهرس المخطوطات العربية في مكتبة الأوقاف العامة في بغداد، بغداد: مطبعة العاني حافظيان بابلي، ابوالفضل، نسخه پژوهی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- حافظيان بابلي، ابوالفضل و صدرایی خوبی، علی، فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- الحسيني، أحمد، تراجم الرجال، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۱۴ق.
- حسيني، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آية الله مرعشي نجفی، قم: کتابخانه آية الله مرعشي نجفی، ۱۳۷۴ش.
- دانش پژوه، محمد تقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.

دانش پژوه، محمدتقی و منزوی، علینقی، فهرست کتابخانه سپهسالار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
درایتی، مصطفی، فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش.

رضایی هفتادری، غلامعباس و اسماعیلی کرکشه، رقیه، کتابنامه پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات عربی در سراسر کشور (۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

زوزین، محمد و العوادی، مشکور و عبدالعال، حسین و المحنک، سید هاشم، معجم المخطوطات النجفیه، قم: مکتبه سماحة آية الله المرعشی، الطبعة الأولى، ۱۴۳۳ق.

صدرایی خوبی، علی و حافیان بابلی، ابوالفضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی، به کوشش و ویرایش مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.

الطهرانی، آغابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، النجف: مطبعة الغري، ۱۳۵۵ق.

_____ طبقات أعلام الشيعة: الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، مشهد: دار المرتضی للنشر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.

عرفانیان، غلامعلی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۲، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.

کاظمینی، میرزا محمد، دانشنامه مشاهیر یزد، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانة الرسول، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.

النقشبندی، أسامة ناصر، فهرس مخطوطات مکتبه عبد الوهاب نیازی «بغداد»، القاهرة: معهد المخطوطات العربية، ۲۰۰۲م.

ب- نسخ خطی:

الکاظمی، علی بن عقیقه، شرح المنظومة النحویة، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۴۴، ۱۳۲۲ق.

_____ شرح العروة الوثقی، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، شماره ۱۰۴۷۵، ۱۳۲۲ق.

الیزدی، عبدالسمیع، غایة المسؤل ونهاية المأمول، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۹۱۲، ۱۲۵۲ق.

_____ نیل المرام و دُر النظام، النجف: مکتبه الحکیم العامة، الرقم العام ۴۱، ۱۲۵۳ق.

ج- سایت:

<http://alhakeemlib.org/WebPages>